



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۴/۰۹/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

کلمه آدرنگ

آدرنگ (آدرنگ) یکی از کلمه های پهلوی ست که در فرهنگ های پارسی دمار و هلاک و نیز رنج و عذاب معنی شده است، چنانکه ابوشکور بلخی گوید:

زفرزند بر جان و تنت آدرنگ- تو از مهر او روز و شب چون نهنگ

مسعود سعد سلمان گوید:

تا کیم از چرخ رسد آدرنگ- تا کی ازین گونه چون بادرنگ

(صحاح الفرس زیر کلمه آدرنگ)

پارسی زبانان ایرانی، بادرنگ، ترنج را گویند و ترنج میوه ایست از خاندان نارنج؛ اما پارسیان افغانستان، خیار را بادرنگ گویند. مسعود سعد سلمان که جور و شکنج روزگار و مصیبت و عذاب های زندان دوره غزنوی را دیده و چشیده بود، با این بیتش گله مند رنج و مصایبی از حد بیرون روزگار و زندگی گردیده است که نصیبش از درد و اذیت های چرخ، گونه چون بادرنگ بوده است. برای مردان مرد بادیه زندگی نیز اگر درد و آزارها به حد توان و تحمل شان باشد، باکی نیست؛ اما اگر از حد فزون گردد همان گونه چون بادرنگ خواهد شد و بادرنگ به استعاره نامی از نرینگی مردان است، که تحمل آن سخت و طاقت فرساست. عذاب و اذیت های از حد فزون توان و تحمل برای این شاعر، ازین بیتش نیز هویدا می گردد:

نالم بدل چو نای من اندر حصار نای- پستی گرفت همت من زین بلند جای

مسعود سعد سلمان که یکی از بزرگترین قصیده سرایان زبان پارسی بوده است، با توطئه های دشمنان و شاید حسودان منزلت و مقام دانش اش به جرم اتهاماتی که به او بستند به زندان افتاد و بهترین ایام و سال های عمرش را در پشت دیوار های بلند «قلعه نای»، «دهک» و «مرنج» که همه از زندان های مخوف دوره غزنوی بودند، گذراند. از سروده هایش پیداست که زمانی به زندان شد، مو هایش سیاه بوده است، ولی بعداً با گذار سالیان دور و دراز در زندان، تمام مو هایش سپید گردید. ر. ک: (مقاله «زندان مرنج». همین اثر) برای این شاعر بزرگ تنها درد و اذیت جسمی و روانی زندان نبود، درد و شکنج از دشمنان زورمند روزگار از شاه و شهزادگان گرفته تا بلی گویان و چاپلوسان درباری که شاعر در برابر آن مقتدران، ناتوان و ضعیف بوده است، رنج و دوری فرزندان و یگانه دختر بیمارش بود که سالها از آن ها اطلاعی به دست نمی آورد. شاید شاعر درد و عذاب های دیگری ناشی از ناملایمات زندگی مردم بر پایه سیاست های نادرست و غیر مردمی اهل قدرت و سیاست نیز داشته است که همش درد و همش رنج و همش غم، و همش از گونه چون بادرنگ بوده است.

در ولایت سرپل به طرف جنوب شرق شهرک امروزی سرپل قریه ایست به نام «آدرنگ» که به نظر من اسم این ناحیه (آدرنگ) به معنی هلاک و رنج و درد است. این قریه که در سر راه ولسوالی کوهستانات سرپل قرار دارد و باشنده های آن ایماق اند، ممکن است که در گذشته های دور تاریخی بالای اسلاف باشند این ناحیه در نتیجه وقوع کدام حادثه

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

طبیعی و یایورش و تهاجم بیگانه‌گان، مصیبت و بلای عظیمی رونما گردیده باشد. و از همین سبب ممکن است که نام این ناحیه از آن به بعد، آدرنگ شده باشد.

منبع

۱ گردش، محمد صالح. ریشه و معنی واژه اوستا. مزارشریف: مطبعه صورتگر، زمان چاپ ۱۳۹۷، صص ۷۰-۷۲
نخجوانی، محمد بن هندوشاه. صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری) به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵